



یادداشت: «مصائب تپه مذاکره»

مسعودرفیعی طالقانی

مدت‌ها پیش وقتی علی لاریجانی را کسوت دبیری شورایعالی امنیت ملی به‌عنوان ارشدترین مقام مذاکره‌کننده ایران با قدرت‌های جهانی کنار گذاشته شد و جایش را سعید جلیلی گرفت، طی گفت‌وگویی با یکی از رسانه‌ها از مصایب «مذاکره‌کننده» بودن گفت و میز مذاکره را میزِی نه مانند میزهای دیگر ندانست. این تازه مربوط به دوره‌ای بود که محمود احمدی‌نژاد ردای ریاست دولت را بر تن داشت… مذاکره‌کنندگان قدرت‌های جهانی نیز لابد می‌دانستند که اگر ایران همان است که محمود احمدی‌نژاد می‌گوید و داعیه حیرت‌آور مدیریت بر جهان را دارد، دیگر تکلیف مذاکرات از پیش معلوم است. می‌توان گفت مذاکراتی در آن دوران نبود که بتوان انتظار خبر توافقی اولیه‌ای از آن داشت چه رسد به اینکه بتوانیم بگوییم توافق جامع… شاید آقای لاریجانی تاکنون بارها خاطرات دوران مذاکره‌کنندگی‌اش را مرور کرده که تا امروز در بین مقامات غیردولتی کشور، سنجیده‌ترین سخنان را درباره مذاکرات جاری ایران و ۵۱ توافقتنامه ژنو بر زبان رانده است. کاش نمایندگانِ که تا امروز تنها اصولشان کوفتن توافق ژنو بود، یک روز پشت‌میز مذاکره با قدرت‌های جهانی نشسته بودند و باز کاش می‌دانستند ما پیش‌تر حتی از ترک مقطعی و کوتامدست مذاکرات هم ضربه‌های بدی خورده‌ایم که از جمله این ضربه‌ها پدیدآمدن کاسیان تحریم بود. همین حالا دولت و قوه قضاییه مامهاست با تنها یکی از این کاسیان تحریم، پنجه در پنجه است تا حقوق ازدست‌رفته مردم در بیت‌العمل را باز پس ستاند که البته توفیق همه‌جانبه در همین یک فقره هم بعید به نظر می‌رسد

ایران

سر مقاله: «وزن پارلمان اروپا چقدر است؟»؛ یوسف مولایی

بعد از صدور قطعنامه پارلمان اروپا در قبال ایران واکنش‌های مختلفی در محافل سیاسی ایران صورت گرفت. بزرگ‌ترین خطای سیاسی در نگاه محافل داخلی ما آنجا بروز می‌کند که بسیاری از معترضان به قطعنامه پارلمان اروپا تصویر روشنی از موقعیت و اختیارات این نهاد در ذهن ندارند تا جایی که در موارد زیادی پارلمان اروپا معادل شورای اروپا یا کل اتحادیه اروپا انگاشته می‌شود. طبیعی است که این عده به جای نقد حقوقی قطعنامه پارلمان اروپا، نسخه‌بست فداکار اروپایی را تجویز کنند. قدرت اصلی مجموعه اروپا در دست نهاد اتحادیه اروپا و شورای رهبران سیاسی آن است و دیگر بخش‌های این اتحادیه مثل پارلمان اروپا از نفوذ و اقتدار چندانی برخوردار نیستند. بر همین اساس قطعنامه‌هایی هم که از سوی این نهاد صادر می‌شود، جنبه نمادین داشته و از منظر حقوقی ضمانت اجرایی لازم را ندارد. حاکمتر تأثیری که قطعنامه‌های پارلمان اروپا بر جرای می‌گذارد، «لطیف یا تشدید» فضای سیاسی در روابط این مجموعه با کشورهای هدف است. کما اینکه طیفی از اعضای تندرو پارلمان اروپا تلاش می‌کنند همانند تندرهای کنگره آمریکا بر فضای روابط این اتحادیه با ایران به ویژه در دوره مذاکرات هسته‌ای گروه ۵+۱ تأثیر بگذارند.

کیمان

سر مقاله: «ضرورت واکنش قاطعانه» حسین شمس‌یاسین

پرداختن به قطعنامه اخیر اتحادیه اروپا- که در آن راهبرد این اتحادیه برای ارتباط با ایران طراحی شده است- به دلیل معادله قطعنامه متعین نیست و به علت اهمیت اتحادیه اروپا هم نیست! قطعنامه مهم نیست، چون حرف تازه‌ای در آن نیست و جز خیال‌پردازی و آرزوهای کودکانه چیز دیگری در آن دیده نمی‌شود. آرزوهای که می‌تدرد سی‌وینچ سال است بر دل آرومنانداش مباد می‌کند و جایگاه هم به گور خوانده برد. اتحادیه اروپا هم جایگاه هم در درخو توجهی ندارد، چون اتحادیه اروپا در چند سال اخیر، در بدترین شرایط عمر خود به سر می‌برد و از آن ژست اروپای واحد و تبدیل‌شدن به قدرت مهم جهانی، فاصله فراوانی گرفته… این دو نمونه تاریخی (صور حکم ارتداد سلمان رشدی توسط امام و خروج و بازگشت سفرای اروپایی در ایران پس از واقعه میکونوس) منطبق نظام اسلامی در مقابل مستکبران را نشان می‌دهد. منطقی که کلاپی خود را به خوبی نشان داده و ثابت کرده که قابل قیاس با رفتارهای متعارف دیپلماتیک و بیان عباراتی مثل «فتار غیرمسئولانه طرف اروپایی» یا «غیرقابل‌پذیرش‌بودن قطعنامه، که از سوی برخی مقامات رسمی بیان می‌شود نبوده و نیازمند اقدامی قاطع و عملی است.



آغاز ده‌ن‌کچی‌ها و نگاه تحقیرآمیز و استفاده از فرصت دولت یازدهم برای انجام رفرم و تشکیلات جاسوسی در ایران و دخالت آشکار در امور داخلی کشور، قطع به یقین یادآور همان دورانی است که دولت نه با دید بلندمدت و انقلابی بلکه با دید کوتاه و رنگراییانه به مسایل کشور تگریسته و ارزش‌های انقلاب و دستاوردهای چندساله نظام را در چشم بهمه‌زدنی به چوب حراج می‌گذارد تا قدری اقتصاد جان بگیرد، اگر خواهان تداوم مسیر نظام هستیم، جز با رویکرد انقلابی نمی‌توان این مهم را ادامه داد و با خستگی از انقلابی‌گری و نگاه پراگماتیسمی که امروز شعار برخی انقلابیون گذشته شده است، چیزی جز اضمحلال حاصل نخواهیم کرد.

گفت‌وگو با «برنو فوشه» سفیر فرانسه در تهران در آخرین روز کاری اسفند گذشته انجام شد؛ مصاحبه‌ای که با هماهنگی دبیر اول سفارت «کون مگرون» و حضور «مدیا کاشیگر» مترجم سفارت انجام شد. قبل از شروع مصاحبه سفیر از تلاش‌های چندباره‌اش برای انجام تز دکترایش و مشغله فراوان که همیشه مانع اتمام آن شده است، گفت. او در آستانه سال نو ایرانی، با تبریک نوروز ابراز امیدواری کرد که رونق و خوشبختی ارغمان سال جدید برای همه ایرانی‌ها باشد. سفیر فرانسه، آرام و دقیق به س‌وال‌ها پاسخ داد، از موضع «لوران فابیوس» وزیر خارجه کشورش در جریان نشست ژنو دفاع کرد و آن را ضامن پایداری توافق توصیف کرد.

❖ نخستین پرسشی که به ذهن می‌رسد از حوزه فرهنگی است. خوانندگان ما علاقه‌مندند بدانند سفیر فرانسه در ایران چه فعالیت‌های فرهنگی‌ای را دنبال می‌کند، تا آنجایی که می‌دانم شما عرب‌زبان هستید؟
آیا زبان فارسی فرامی‌گیرید، سازی ایرانی می‌زنید؟
اول از اینجا شروع کنم که آشنایی من با ایران از دوسال پیش که به‌عنوان سفیر پاریس در تهران منصوب شدم آغاز نشده. من در فاصله ۱۹۹۷ و ۲۰۰۰ هم در سفارت فرانسه در تهران بودم. ۱۹۹۷ که آمدم چیزی در مورد ایران نمی‌دانستم. اما ایران برای یک فرانسوی، معنای خاصی دارد. یک معنای رازانگیز… در مورد ایران به زبان فرانسه آنثاری وجود دارد که معمولاً این آثار برای شناخت ایران خوانده می‌شوند. امپراتوری پارس –که بخش مهمی از تاریخ ایران به‌شمار می‌رود – البته برای فرانسوی‌ها بسیار جالب است. پیش از آنکه در سال ۱۹۹۷ به تهران بیایم برای یک دوره پنج‌ساله در شورای امنیت سازمان‌ملل در نیویورک مشغول به کار بودم. بعد از اتمام مأموریت‌م در شورای امنیت، رییس‌م به من پیشنهاد کار در بروکسل داد. من گفت‌م که برای من کار در بروکسل جذابیتی ندارد و خواستم که من را به جایی بفرستند که تمدن بزرگی داشته باشد. این موجب تعجب خیلی از مقامات مسوول من شده بود. با این وجود من ایران را انتخاب کردم و تصمیم گرفتم به ایران بیایم؛ تصمیمی که هرگز از گرفتنش پشیمان نشده‌ام. ابتدا در همان واشنگتن فارسی یادگرفتم را شروع کردم. البته مدتی هم زبان «پهلوی» (پارسی باستان) یاد می‌گرفتم. من البته به موسیقی خیلی علاقه دارم. خود من «یوئینسل» می‌نواختم. ساز ایرانی نمی‌زنم اما در بین آلات موسیقی ایرانی کمانچه، تار و نی و البته دف را بسیار دوست دارم. اگر قرار بود ساز ایرانی بزنم حتماً کمانچه می‌زدم. خیلی مشغله دارم و به همین دلیل وقت زیادی برای تمرین فارسی ندارم. اوقات فراغت‌م را هم صرف خواندن کتاب‌های تاریخی در مورد ایران می‌کنم. همین اواخر کتاب بسیار قطوری را در مورد مغول‌ها در ایران می‌خواندم. تاریخ ایران تاریخ بسیار پیدیدهای است. اقوام بسیاری از این سرزمین عبور کرده‌اند. در عین حال پیوندهایی میان ایران و فرانسه از جنبه تاریخی وجود دارد. اگر شما علاقه‌مند به تاریخ بلستان یا تاریخ ادیان باشید حتماً به نام ایران – و چیزهایی که این تمدن به جهان داده است – بر مغفله خورد. تأثیر ایران، فقط محدود به سرزمین خودش نیست. ایران بر کل منطقه تأثیر گذاشته است، چندی پیش در سفر به کابل و در بازدید از موزه، آثار دوره غزنویان را مشاهده می‌کردم که در آن تأثیر تمدن ایران خیلی بارز و قابل‌توجه بود. به همین ترتیب من به تمدن ایرانی همیشه علاقه‌مند بوده و هستم.

❖ آقای سفیر، شما در دورای متفاوت در ایران مشغول به کار شدید. اوایل دوران اصلاحات، دولت احمدی‌نژاد و البته روزهای که دولت روحانی مستقر است. چه تفاوت‌هایی از نگاه شما در جامعه ایرانی در این سال‌ها بارز بوده است.

خودم هم وقتی در دوره دوم مأموریت‌م در سال ۲۰۱۱ به تهران برگشتم این مقایسه را انجام می‌دادم. چیزهایی عوض شده و چیزهایی دست‌نخورده مانده بود. تمدن این کشور همچنان سر جایش دست‌نخورده باقی مانده است. خیلی لذت بردم که توانستم آثار باستانی ایران را دوباره ببینم. نظام سیاسی در ایران باثبات است و طی این سال‌ها، تغییر بنیادینی نکرده است. من تقریباً تجربه کار با چهار رییس‌جمهوری ایران را دارم. وقتی آمدم پایان کار آقای رفسنجانی بود، خامی به‌تازگی انتخاب شده بود. اعتبارنامه سفیری خود را به احمدی‌نژاد دادم و امروز که با شما صحبت می‌کنم شاهد انتخاب حسن روحانی هم بوده‌ام. نکته قابل‌توجه برای من این است که کشور بسیار مدرن‌تر شده است. زیرساخت‌های بسیاری اضافه شده است. چشم‌اندازهای شهری خیلی سریع عوض شده است. البته سال‌های درآمدهای خوب از فروش نفت در ایران در چشم‌اندازهای شهری مثل تهران تغییرات زیادی ایجاد کرده است. البته تغییرات اجتماعی هم در ایران ملموس است، به نظرم ظهور بانثات‌تر و قوی طبقه متوسط در ایران قابل‌تامل است. مثلاً قبلاً می‌دیدیم که خنوارهای ایرانی خیلی از وسایل نقلیه عمومی استفاده می‌کنند اساً این روزها در تهران می‌بینم که بسیاری وسایل نقلیه شخصی سوار می‌شوند. ایرانی‌ها همچنان بسیار دوست‌داشتنی و البته شهر تهران بسیار شلوغ و پرتدد است.

❖ ایران کشوری فرانسه‌زبان نیست. در مدارس هم انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی تدریس می‌شود. با این حال بسیاری از دانشجوین و دانش‌آموزان ایران مایلند به فرانسه بروند و تحصیلات خود را ادامه دهند. شما به‌عنوان سفیر فرانسه چه امکاناتی برای این گروه از دانشجوین ایرانی قابل هستید؟

درست است که ایران کشور فرانسه‌زبانی نیست



سفیر پاریس در تهران در گفت‌وگو با «شرق»: توافق هسته‌ای ضعیف دوام نمی‌آورد

فرنگیس بیات

اما ارتباط ایران با زبان و فرهنگ فرانسه در مقایسه با کشورهای همسایه خیلی قوی‌تر و بیشتر است. این البته برمی‌گردد به اینکه تاریخ روابط ما هرگز تاریخ خصمنه‌ای با هم نبوده است. هر چندر هم مشکلات سیاسی وجود داشته است، اما ما هرگز روابط خصمنه‌ای نداشته‌ایم. ایران با بعضی کشورها روابط تنش‌زایی داشته است اما در این میان حذف‌شدن فرهنگ فرانسه از ایران تاسف‌بار است. قبل از انقلاب در ایران حدود هشت‌هزار دانش‌آموز در مدارس فرانسوی درس می‌خواندند. حضور زبان فرانسه در دیگر کشورهای همسایه خیلی بیشتر است مثلاً در امارات متحده‌عربی ما حدود ۱۲هزار دانش‌آموز داریم. در عربستان سعودی که معروف است که کشور بستانه‌ای است، ما سه دبیرستان با حدود سه‌هزار محصل داریم. در کابل هم همین‌طور، در مدرسه «استقلال» محصلان فرانسه‌زبان مشغول فراگیری زبان هستند. در ایران هم موسسات و مدارس زبانی که به آموزش زبان مشغولند البته تعدادشان بسیار کاهش یافته است. فرانسه پنجمین زبان زنده دنیاست. ۲۲۰میلیون فرانسه‌زبان در دنیا به زبان حرف می‌زنند. در ۷۵ کشور در سراسر دنیا به این زبان حرف می‌زنند و سازمان زبان فرانسه دومین سازمان بزرگ در دنیاست. فرهنگ فرانسه در قاره‌ای خیلی گسترده که به آن قاره فردا می‌گویند (آفریقا) بسیار پرنفوذ است بنابراین خیلی طبیعی است که فرانسه موردتوجه ایرانی‌ها باشد. حدود دوهزار ایرانی در فرانسه تحصیل می‌کنند. این کشور بعد از بریتانیا، آمریکا و اخیراً استرالیا چهارمین مقصد ادامه تحصیلات در دنیاست. ۲۶۷هزار دانشجوی خارجی در فرانسه هستند. دانشجویان ایرانی مشتاق به‌ادامه تحصیل در فرانسه می‌توانند به رشته‌های مختلف فنی، ادبی و علوم انسانی به فرانسه بیایند. برای فراگیری فرانسه هم می‌توانند به موسسات خصوصی مراجعه کنند و هم اینکه به مرکز زبانی خود سفارت مراجعه کنند و البته ۱۰ اسلایی است که منظر

باثبات‌شدنش هستیم و از همه کسانی که خواهان ادامه تحصیل هستند استقبال می‌کنیم. دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه حسن‌شهرت دارند و قدمشان روی چشم.

❖ چالش هسته‌ای، روابط خارجی ایران را در دهه گذشته تحت‌تأثیر قرار داده است و البته روابط با فرانسه را هم. پس از سپری‌شدن دوره مذاکره با ترویکای اروپا (انگلیس، آلمان) و نقش اروپا کم‌ترکم‌تر شد. این پرونده اکنون ظاهراً به دعوای ایران و آمریکا تبدیل شده است. موضع فرانسه برای حل مساله چیست؟ بسیاری از ایرانیان معتقدند موضع آقای «فابیوس» در کنفرانس ژنو حتی از موضع آمریکا هم تندتر بود…

چیزی که می‌گویند را بارها من هم شنیده‌ام. البته متناقض هم هست. از سویی گفته می‌شود که این قضیه ایران و آمریکاست و اروپایی‌ها دیگر کاری نمی‌توانند انجام دهند و از سویی می‌گویند کاری که دقیقاً آمریکایی‌ها خواستند را نمی‌کنیم. البته مشخص است که پرونده هسته‌ای موضوع بسیار مهمی است و باعث بروز کدورت‌هایی میان ایران و جامعه جهانی شده است. نباید فراموش کرد که پرونده هسته‌ای ایران یک موضوع دوجانبه میان تهران و پاریس نیست. البته باید بگویم که مساله فقط پرونده هسته‌ای نبود، این پرونده با سبکی از ریاست‌جمهوری در ایران (در دوره احمدی‌نژاد) به صورتی گره خورد که همه مسایل دشار‌تر شد. بهترنی دلیل برای اینکه قبول کنیم این حرف درست است این است که به محض اینکه آقای روحانی به ریاست‌جمهوری انتخاب شد افزایش تنش‌زدایی شد. ۱۰ سال نتوانستیم هیچ گفت‌وگوی سازنده‌ای داشته باشیم به محض اینکه چه‌راهی جدید با ادبیاتی جدید آمد، در عرض چند ماه در ژنو به توافق رسیدیم. این نکته بسیار مثبتی است موضع فرانسه در مورد پرونده هسته‌ای هرگز تغییری نکرده است. این موضوعی علیه ایران نیست، یک بحث اصولی است. موضوع



منع گسترش تسلیحات هسته‌ای یک ضرورت است برای صلح و ثبات بین‌المللی. هیچ دست‌ور کار پنهانی وجود ندارد. سیاست‌های فرانسه در مورد پرونده هسته‌ای در دوره «اسارکوزی» و هم در دوره «ولاند» یکسان بوده است.

این موضوع بر دو محور متکی است: محور اول اینکه ما اعتقاد داریم می‌توان این پرونده را از طریق مذاکره حل کرد. موضع همه کشورها نسبت به پرونده ایران این نیست ولی موضع فرانسه از همان ابتدا تا حالا همین بوده است. دومین نکته این است که توافق میان ایران و جامعه بین‌الملل باید محکم، باثبات، قابل اعتماد و جدی باشد و این توافق بتواند چارچوبی برای پرونده هسته‌ای ایران پدید بیاورد که قابل دوام باشد. مشکل اول پرونده هسته‌ای مساله اعتماد است. به تازگی مقاله‌ای از آقای موسویان می‌خواندم که در آن گفته شده دیگر نمی‌شود مثل ۱۰ سال گذشته بدون پیشبرد کار منتظر ماند. این پرونده روابط را پیچیده کرده است و باید این پیچیدگی را حل کرد. قطعنامه‌های شورای امنیت هست، قطعنامه شورای حکام هست و همه اینها در کنار هم یک کلیت را تشکیل می‌دهد. اما آنچه مهم است این است که در ۲۴ نوامبر به توافق رسیدیم و همین امروز هم مذاکره‌کنندگان مشغول زمینه‌سازی برای توافق نهایی هستند. ایران نگرانی‌هایی دارد ما هم آمادگی داریم نگرانی را رفع کنیم ما هم همین‌طور، نگرانی‌هایی داریم که باید مورد توجه قرار بگیرد. آنچه برای ما مهم است این است که بتوانیم به و در این بازی که اصلاً متغی نیست و بسیار هم روشن است بعد از عادی‌سازی روابط، ما هیچ وکت منکر حق ایران برای انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای نشده‌ایم. نگرانی ما همان نگرانی ژان‌اس است که این برنامه صلح‌آمیز باشد. این اطمینان فقط با کلام به دست نمی‌آید ایران‌ها را اعتمادسازی وجود دارد و این همان کاری است که مذاکره‌کنندگان مشغول آن هستند

❖ اما در جریان توافق ژنو موضع گیری «فابیوس» خیلی تعجب‌آور بود. گفته می‌شد

این بار فرانسه کار را از آمریکا هم سخت‌تر گرفته است. افکار عمومی هم واکنش نشان دادند صفحه فیس‌بوک فابیوس بر از انتقاد ایرانی‌ها شده بود. اما این واکنش به افکار عمومی ایران محدود نماند حتی ایران شناسی مثل «برنار اوگوراک» هم هشدار داده بود که فرانسه خود را تبدیل به شیطان کوچک کرده…

به‌نظرم واکنش افکارعمومی متضانه نبود. اول اینکه مذاکرات هسته‌ای میان ایران و گروه ۵+۱ است. این مسوولیتی بود که شورای امنیت تعیین کرده است، به‌نظرم بعضی از کشورها می‌خواستند خیلی سریع و بدون مشورت دیگران جلو بروند و اینکه یکی بخواهد بدون توجه به‌نظر دیگران و مشورت با دیگران سریع برود جلو، برسر‌پراکنجی بود. همین‌طور که گفت‌م موضع فرانسه مناسب با منافع خودش است و برای آن منتظر دستورالعمل واشنگتن نمی‌ماند. نظر وزیر خارجه فرانسه این بود که برای رسیدن به توافقی محکم و قابل دوام مذاکرات باید ادامه داشته باشد و حق هم داشت برای اینکه توافق مثبت دو هفته بعد به امضا رسید و همه معترفند که توافق ۲۴ نوامبر توافق بسیار خوبی است. من هم فکر می‌کنم که در ۹ نوامبر کمی شبانزدگی وجود داشت ولی فکر می‌کنم انسان خوب است که شبانزده نباشد و دو هفته صبر کند اما در نهایت به توافقی برسد که قابل دوام و محکم باشد.

❖ همان‌دام با این انتقادها در ایران و در همه رسانه‌ها به صحبت از تفاوت گرایش‌های کلیستی و آناتلیتیکی در سیاست خارجی فرانسه می‌شود؛ اینکه فرانسه تحت‌تأثیر گرایش‌های آناتلیتیکی است، البته کارشناس‌های فرانسوی هم کامیاب چنین گرایش‌هایی را تایید می‌کنند. «آلن گرش» یا «تیه ری کوبل» بر همین نکته دست گذاشته‌اند. حتی اینکه خیلی هم بر همین رییس‌جمهوری سوسیالیست با غیرسوسیالیست در سیاست خارجی فرقی نیست… این حرف محقق‌هاست. ما قدیمی‌ترین متحد آمریکا از همان ابتدای پیدایش این کشور هستیم. هیچ وقت هم با هم جنگ نداشته‌یم. اولین سفارتی که آمریکا در خارج باز کرد در شهر بوردو فرانسه بود. روابط خوب و نزدیک بود. بعد از جنگ جهانی دوم آمریکا برنده جنگ

بود و اروپایی‌ها تضعیف شدند. در آن دوره «ژنرال دوگل» خیلی تلاش کرد تا بتواند تصویر فرانسه را مجدداً احیا کند. این سنت «گلیستی» در دیپلماسی فرانسه به یک معنا هیچ وقت هم قطع نشده است. ما یک دیپلماسی مستقل داریم اما متحدانی هم داریم که با هم مشورت می‌کنیم. ما در طول تاریخ با آمریکا ناهمسویی‌هایی داشته‌ایم. فرانسه بر مبنای منافع خاص خودش تصمیم می‌گیرد. سال ۲۰۰۳ در مورد عراق اختلاف‌نظر داشتیم همین اواخر در مورد عضویت دولت خودگردان فلسطینی به‌عنوان عضو ناظر در سازمان ملل باز با هم اختلاف داشتیم و تاریخ می‌گوید که فرانسه پیرو ایالات متحده آمریکا نیست. کسانی که در دستگاه دیپلماسی هستند، می‌دانند و روند تصمیم‌گیری و چگونگی آن را می‌بینند. برای نمونه اگر به شورای امنیت نگاه کنیم، می‌بینیم که منشا تصویب اغلب قطعنامه‌ها، فرانسه بوده است. نقش پیش‌رو و الهام‌بخش فرانسه در روابط بین‌الملل بسیار قوی است؛ این فرهنگ ماست و من به شما اطمینان می‌دهم وقتی قرار است در فرانسه تصمیمی گرفته شود با تلقن از واشنگتن هماهنگ نمی‌شود اما ما دیماً با متحنان‌مان در حال مشورت هستیم.

❖ ما از یک سو شاهد موضع‌گیری خاص فرانسه در ژنو ۲ بودیم و از سوی دیگر شاهد آمدن بزرگ‌ترین هیات اقتصادی اروپا «سدف» (انجمن کارفرمایان خصوصی فرانسه) به ایران. اینها باعث ایجاد یک تصویر دو گانه از فرانسه نزد ایرانیان است.

به‌نظرم متناقض نیست. این تصور که فرانسه خواست مانع توافق بشود اصلاً درست نیست. تصور من این است که اتفاقاً فرانسه توافقی را نجات داد. یک توافق ضعیف نمی‌توانست چندان دوام بیاورد و کار با واشنگتن به جایی نمی‌رسید. حالا چرا چنین هیات اقتصادی به ایران می‌آید؟ به این دلیل که شرکت‌ها و تجار فرانسوی در ایران منافع‌ای دارند و علاقه‌مند به گسترش روابط هستند. اصلاً بحث این نبود که ما بنگاه‌های فرانسوی را تشویق کنیم که تحریم‌ها را دور بزنند…

❖ درست است اما حتی از طرف ۵+۱ هم فرانسه واکنش‌هایی گرفت. «اوباما» تهدید کرد مثل آرزو جری سر شرکت‌های فرانسوی خراب می‌شوی… ظاهراً از آن طرف هم نگرانی وجود دارد که فرانسه فراتر از مرز پایش را نگذارد…

هیات اقتصادی یک هیات اکتشافی بود و برای ارزیابی امکانات آمد برای اینکه شرکای تجاری ایرانی‌اش را ببیند؛ نیامد که قرارداد امضا کند. در عین حال ما می‌خواستیم به طرف ایرانی نشان بدهیم که به شرکت‌ها و تجار فرانسوی در جامعه بین‌الملل حل‌وفصل شده، ما آماده گسترش همکاری‌ها هستیم. ضمن اینکه ایران هم دقیقاً باور کند اگر شکل پرونده هسته‌ای حل بشود تجار فرانسوی علاقه‌مند به بازگشت به بازار ایران هستند. برای فرانسه مساله تنها پرونده هسته‌ای نیست. همکاری‌های اقتصادی هم مهم هستند. قرار است تحریم‌ها روزی براشته شوند و در این بازی که اصلاً متغی نیست و بسیار هم روشن است بعد از عادی‌سازی روابط، مناسبات اقتصادی عادی می‌شود و گسترش پیدا می‌کند؛ حرکتی تشویقی است برای رسیدن به توافق نهایی.

❖ در سطح منطقه‌ای هم رویه‌روی شکل‌گیری آرایش‌های جدیدی هستیم. تا پایان سال پیش‌رو آمریکا از افغانستان بیرون می‌رود… برنامه دیپلماسی فرانسه برای خاورمیانه چیست؟ نقش فعالانه‌تری را خواهیم دید…

مطمئنم نیستم که آمریکا از افغانستان و منطقه بیرون برود. آنچه قطعی است این است که نقشه انرژی در منطقه دارد عوض می‌شود. کشورهایی که امروز به نفت خاورمیانه نیاز دارند بیشتر در آسیا هستند نه در آمریکا یا در اروپا. برای مثال ۵۲درصد نفت وارداتی چین از خاورمیانه است و این عدد برای اروپا زیر ۲۰ درصد است. این واقعیت منطقه‌ای است. البته واقعیت سیاسی متفاوت است. علاقه‌مندی جدی نسبت به این منطقه وجود دارد و تصور هم نمی‌کنم آمریکا از این منطقه خارج شود. الان نمی‌دانیم آینده قطور می‌شود… شکل حضور نیروهای آمریکایی در افغانستان تغییر خواهد کرد؟… هنوز بر سر این مساله بحث وجود دارد.

❖ بحران اوکراین هم از دیگر مسایل جدید است. به نظر شما اختلاف‌نظر غرب با روسیه در مورد استقلال «کریمه» تا چه اندازه می‌تواند بر پرونده هسته‌ای ایران تأثیر بگذارد؟ مذاکرات ۵+۱ با ایران مهم‌ترین محل برخورد این قدرت‌ها بعد از رویدادهای اوکراین است… نه لزوماً. درست است که بحران کریمه رفت‌وفته شکل ناخوشایندنی در خودش می‌گیرد اما پرونده هسته‌ای، پرونده متفاوتی است، حداقل در رفتار روس‌ها مشخص است که تأثیری نداشته است. مسلم است که اعلام استقلال [خود مختاری] «کریمه» وضعیت را وخیم‌تر خواهد کرد. تحریم‌هایی علیه روس‌ها برقرار می‌شود. اروپا فرماندهی بر گزار شده در «کریمه» را غیرقانونی می‌داند چرا که در قانون اساسی اوکراین اصلاً پیش‌بینی نشده بود. اما ماهیت دو پرونده متفاوت است و ربطی به هم ندارند.

❖ به‌عنوان آخرین سؤال، فرانسوی‌ها ضرب‌المثل جالبی دارند که می‌گویند «غیرممکن» فرانسوی نیست؛ در مورد پرونده هسته‌ای می‌توانیم اعمال کنیم؟ بله، امیدوارم من همیشه خوشبین بوده‌ام. به گفت‌وگو اعتقاد دارم و معتقدم می‌شود راه‌حلی پیدا کرد که هم منافع ایران را تأمین کند و همه خواست‌های سایر مذاکره‌کنندگان را. من به‌عنوان سفیر فرانسه در تهران اولین نفری هستم که می‌خواهم توافق اتفاق بیفتد تا روابط دو جانبه ما در حوزه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ارتقا پیدا کند.



متولیان گوناگون فرهنگ

در این بخش از یادداشت، سازمان‌ها، نهاده‌ا و ارگان‌هایی که ارتباطی با دولت نداشته و ندارند و در امور فرهنگی فعال هستند، نام برده می‌شوند تا برای جوانان علاقه‌مند به مباحث فرهنگی، هم کمیت و کیفیت فعالیت‌های فرهنگی روشن و هم ادعاهای برخی بیشتر معلوم شود.

۱- از شناخته‌شده‌ترین و دیرپاترین نهادهایی که برای تأثیر گذاشتن بر جامعه به وجود آمده نهاد روحانیت است. می‌دانیم که یکی از وظایف اصلی و ذاتی روحانیت همانا فعالیت فرهنگی است، برای این کار دوره‌های گوناگون آموزشی می‌بینند و در دوران فراگیری علوم متعدد که بعضاً دهه‌اسال به درازا می‌کشد، عملاً به تبلیغ و ترویج دانسته‌های خود می‌پردازند. دامنه نفوذ و تشکیلات نافوخته آنان به‌سراسر ایران و بعضی از جوامع خارجی گسترده است و در دهه‌های اخیر با توسعه‌ادن مراکز استقرارشان که مساجد و مدارس حوزوی است، به ادارات دانشگاه‌ها، مراکز نظامی، مدارس دولتی، رسانه‌ها، کارخانجات و جاهای دیگر، زمینه‌های نفوذ خویش را بیش از پیش سامان داده‌اند. نکته درخور توجه اینکه تأثیر روحانیون در جامعه، به پراکندگی آموزه‌ها و بیان دانسته‌های آنان محدود نمی‌شود و رفتار و کردار آنان نیز که مهم‌تر از آموزش دانش اسلامی آنان است، در راستای فرهنگ جامعه نقش آفرین است. بنابراین توصیه‌های مکرری که زعمای اخلاقی حوزه‌ها به شاگردان خود دارند این است که مواظب رفتار خود باشند. از آنجا که تأثیر روحانیت هیچ ارتباط صنفی و اداری با دولت ندارد، رفتار و رفتار و کردار و گفتار روحانیون را نمی‌توان و نباید پای دولت نوشت.

۲- بعد از نهاد روحانیت، رادیو و تلویزیون، موثرترین پدیده فرهنگ‌سازی، تغییر الگوها و شکل‌دادن افکار عمومی به‌شمار می‌رود. همچنان که رفتار و گفتار واعظان و سخنران دین‌پاور، توانان تأثیرگذارند، رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی نیز می‌تواند دوگونه تأثیر بگذارد. زمانی که مجلس شورای اسلامی طرح موضوعی استاده از تجهیزات ماهواره‌ای را به تصویب رساند، برای جلوگیری از نمایش غیرقانونی برنامه‌های شبکه‌های خارجی، صداسیماهای جمهوری اسلامی ایران ملزم شد که به تهیه و تولید برنامه‌های جذاب و موثر اقدام کند، به‌گونه‌ای که نیاز سن جوان را برآورده سازد و آنان را از دیدن تلویزیون‌های بیگانه بی‌نیاز کند، اما در عمل، سازمان صدوسیما صرفاً به افزایش کمی شبکه‌ها اقدام کرد. شبکه‌های ۴۲۰گانه‌ای که به دلایلی چند، نتنها نتوانستند نیاز ایرانیان علاقه‌مند به فیلم‌های خوب را رفع کنند، بلکه با شبیوه‌ای که در اطلاع‌رسانی در پیش گرفته‌اند، مردم را به ست‌وسوی بهره‌گیری از رسانه‌های برون‌مرزی سوق دادند. گرایش به رسانه‌های خارجی، به یک پدیده عادی تبدیل شده و صداسیماها، چه در موضوع اطلاع‌رسانی و چه در موضوع تولید برنامه‌های تلویزیونی، به‌گونه‌ای عمل کرده که چندان جاذبه‌ای برای نسل جوان ندارد. به‌طور مثال، اخیر داخلی و خارجی را گزینشی و یک‌طرفه و سیاسی به‌نفع یک جریان خاص پخش می‌کند و در تولید برنامه‌ها، اصل را بر حرف‌زدن مجری و برنامه‌های فراوانی که گفت‌وگوهای سیاسی و فرهنگی، آن هم تنها از میان همفکران رییس صداسیما می‌پردازد، گذاشته است. بر این اساس می‌توان نقش صداسیماها را در ایجاد اشکال‌های فراوان فرهنگی جامعه، نقش تعیین‌کننده‌ای قلمداد کرد.

۳- به‌جز دو نهاد و سازمان فوق‌الذکر، مراکز مهم دیگری هستند که به‌عنوان تأثیر فرهنگی، در راستای تأثیرگذاری بر افکار عمومی، تلاش گسترده‌ای دارند به‌گونه‌ای که می‌توان شرایط فرهنگی فعلی را تحت‌تأثیر فعالیت‌ها و برنامه‌های آنان دانست. برای اینکه این نوشته، طولانی نشود، صرفاً از چهار نام برده می‌شود. سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، کانون‌های نر نفوذ مداحی و مدحان. فعالیت‌هایی که با عنوان مجری و برنامه‌های فراوانی که گفت‌وگوهای سیاسی و فرهنگی، آن هم تنها از میان همفکران رییس صداسیما می‌پذیرد، رسانه‌های انبوه مجازی که امروز بسیاری از جوانان را معناد خود کرده‌اند. در این میان، دولت و مشخصاً وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کجای این مسیر اقدامات فرهنگی قرار دارد؟ مخاطبان سینما و تئاتر و کتاب و مطبوعاتی که در اختیار اولگرایان نیستند، چه تعدادی است؟ اینکه منتقدان دولت به هر بهانه علم مخالفت بلندی می‌کنند و انتقاراً روایت‌نامه، مجلات و سایت‌های بسیار پرشماری را در اختیار دارند و فرهای به سیاست‌های فرهنگی دولت برآمده از آرای مردم در خرداد ۹۲، اعتنا ندارند، چگونه و با چه معیار اخلاقی و انسانی و با چه آمار درست و تعریف‌شده، می‌خواهند اشکالات فرهنگی موجود را برعهده یک دولت حاکم شش‌ماهه بگذارند. اینها که هزاران سایت تبلیغاتی، نشریه‌های فرهنگی و اجتماعی توزیع می‌کنند تا تحت پوشش خود دارند و صداهای روزنامه و هفته‌نامه و ماهانه گوناگون منتشر می‌کنند و هر نوع حرف مورد نظر را در جامعه ترویج می‌کنند با چه استدلال، از اقتضات به قول آنان منحرف‌کننده دور، سه روزنامه و مجله و تعداد انگشت‌شمار فیلم، سخن می‌گویند و تمامی کاسو-کوزه‌ها را بر سر آنان می‌کشند؟

۳۵۰ روز پیش‌رو

سینما بر اسلر درخواست مردم باید به فیلم‌ها سرویس دهد و در هر برنامه نمایشی خود باید به‌صورت شانور نسبت به انتخاب فیلم‌ها اقدام کند. گاهی سه فیلم و گاهی شش فیلم بر اساس ضرورت به‌رغموری ظرفیت نمایشی سینماها باید در یک برنامه نمایش سینمایی اکران شود. همچنان اعتقاد دارم که سبب سینمای ایران از تنوع در مضامین خالی است و راهی به‌جز چراغ سبز نشان دادن به فیلم‌های خارجی وجود ندارد تا به این وسیله سبب اکران از هر لحاظ متنوع شود. به وجود مخاطبان فخته‌شده‌یابو، کمترین که اگر بارنامه‌ریزی دقیق بتوانیم برنامه نمایشی خود را در طول سال به‌طور طبیعی حوزه توزیع و نمایش آن نزدیک کنیم مطمئن هستم که سینما روزهای پررونقی را خواهد داشت. فروش عید اسال نشانه‌ای خیلی کوچک از رونق است که هر سال در عید می‌بینیم اما یامان باشد ۳۵۰ روز دیگر را در پیش داریم؛ موسم عید روزهایی است که معمولاً برای سینما تکرار نخواهد شد.